

## باسمه تعالی

سلام

آنچه که اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است، که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده اما با همه کوچکی اش، محتوای آن به وسعت دریا‌های بیکرانه، و به عظمت کوه‌های سر به فلک کشیده است.

این کلمات و جملات، مانند دانه‌های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده تا با بیانی ساده برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه، شما عزیزان راه، با کتابی که پس از قرآن، عالیت‌ترین و گرانقدرترین کتاب انسان سازی است، آشنا سازد.

## آشنایی با نهج البلاغه

نهج البلاغه، کتاب ارزشمند و بی‌همتایی است که دربردارنده برخی از سخنان و کلمات گهربار امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد.

کتاب نهج البلاغه در سه فصل جداگانه به ابتکار و ذوق علامه سید رضی (ره) تنظیم گردیده است.

## فصل اول:

خطبه‌ها، مجموعه سخنرانهای دلنشین و شورانگیز امام علی علیه‌السلام که شامل ۲۴۱ خطبه است.

## فصل دوم:

نامه‌ها، (مجموعه نامه‌های امام بزرگوار به دوستان، دشمنان، استناداران، فرمانداران نظامی و دیگر مسوولان کشوری و...) که شامل ۷۹ نامه می‌باشد.

## فصل سوم:

کلمات کوتاه و جملات زیبای حکمت‌آمیز، که مجموعاً ۴۸۰ کلمه می‌باشد.

نهج البلاغه یعنی راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام که بعد از قرآن دومین کتاب شیعیان می باشد.

### شناسنامه نهج البلاغه

نام: نهج البلاغه

تاریخ تولد: سال ۴۰۰ - ه. ق

محل تولد: محله کرخ در بغداد

صاحب کتاب: حضرت علی علیه السلام امام اول مسلمین

گردآورنده: سید رضی (ره) از علماء قرن چهارم

مدت جمع آوری: ۲۰ سال

مدت عمر: بیش از ۱۰۰۰ سال

تعداد خطبه‌ها: ۲۴۱ خطبه

تعداد نامه‌ها: ۷۹ نامه

تعداد کلمات کوتاه: ۴۸۰ کلام

### گوهرهای ناب

تعدادی از جملات زیبا، آسان و دلپذیر از قسمت حکمت‌ها و سخنان کوتاه نهج البلاغه آماده شده است که شما با حفظ کردن و عمل به آنها می‌توانید شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را بیاموزید و اصلاح کنید.

### ۱- انگیزه‌ی دوری از گناه

«لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيَّ مَعْصِيَتِيهِ - لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ» حکمت ۲۹۰

ترجمه: اگر حتی خداوند، بندگان را، از نافرمانی کردن و گناه ورزیدن نترسانیده بود، باز هم واجب بود که انسان، مرتکب هیچ گناهی نشود، تا به این وسیله، در برابر نعمتهای او، سپاسگزاری کرده باشد.

شرح: کسی که گناه می‌کند و فرمان خداوند را به جای نمی‌آورد، در حقیقت، نعمتهایی را که خداوند به او داده است، تباه می‌کند.

در واقع گناهکار، برای آنکه در برابر خداوند، مرتکب گناه و نافرمانی، شود، از همان امکانات و نیروهایی استفاده می‌کند، که خداوند، آنها را، برای انجام کارهای درست و نیک به او داده است. به این ترتیب، آیا شخص گناهکار، با انجام هر کدام از گناهان خود، و نعمتها و نیروهایی را که از خداوند دارد، تباه و حرام نمی‌کند؟ البته خداوند، به بندگان خود هشدار داده، و آنها را از گناه و نافرمانی، بیمناک کرده است. ولی اگر خداوند چنین بیم و هشدار می‌دهد، و اگر انسان آسوده خاطر بود که به خاطر گناهانش کیفر و مجازات نخواهد دید، باز هم حق نداشت نعمتهای خداوند را تباه کند. یعنی در برابر نعمتهای دیدن، شنیدن، بوئیدن، حرکت، تپیدن قلب، تنفس ششها، اندیشیدن، توانایی انجام کارهای گوناگون داشتن، و هزاران نعمت دیگر، انسان باید قدرشناس باشد، و به شکرانه این نعمتهای بزرگ و با ارزش، هرگز مرتکب گناه و نافرمانی خداوند نشود.

### ۲- زندگی دنیوی دلیل زندگی اخروی

«وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَى - وَ هُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى» حکمت/ ۱۲۶

ترجمه: در شگفتم، از کسیکه زندگی این دنیا را می‌بیند، و باز زندگی دییای دیگر (آخرت) را قبول ندارد.

شرح: کسیکه با درک و دانائی، در زندگی این دنیا نظر کند، سراسر دنیا را، پر از نشانه‌هایی خواهد دید که از قدرت آفرینش خداوند حکایت می‌کنند. و کسیکه قدرت آفرینش خداوند را، با عقل و بینش بررسی کند، هرگز مسئله آخرت و زندگی پس از مرگ را انکار نخواهد کرد. اگر ما، با دقت و شعور و انصاف، به دییای خود نگاه کنیم، به روشنی می‌بینیم که انسان و حیوان و گیاه، و بالاخره تمام موجودات زنده این دنیا، از «نیستی» به وجود آمده‌اند. پس خداوندی که قادر بوده است این زندگی و این همه موجودات زنده را، از «نیستی» به «هستی» بیاورد، باز هم قدرت آن را خواهد داشت که پس از مرگ و نابودی این موجودات، یکبار دیگر آنها را زنده کند.

پس به عنوان مثال همانگونه که می‌بینیم خداوند، قبلا، یکبار قدرت خود را، در همین دنیا، نشان داده و ما را، از خاک به خود آورده است. به این ترتیب، خدایی که چنین قدرتی دارد، یکبار دیگر هم، قادر به انجام این کار خواهد بود. یعنی، وقتی ما بمیریم و به مستی خاک مبدل

شویم، دوباره، در روز قیامت، خداوند ما را، از دل خاکها بیرون می‌آورد، و به ما «هستی» و زندگی می‌دهد، تا برای رسیدگی به حساب کارهایمان، در صف محشر آماده شویم .

### ۳- بزرگترین عیب

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» حکمت ۳۵۳

ترجمه: بزرگترین عیب آن است که: عیبی را که خود نیز داری، در دیگران، عیب بشماری .  
شرح: کسانی هستند که عیب و ایرادی را که در اعمال و رفتار خودشان وجود دارد، نمی‌بینند و به حساب نمی‌آورند، اما همینکه آن عیب را، در شخص دیگری ببینند، زبان به عیبجویی و انتقاد باز می‌کنند، و همه جا و پیش همه کس، از عیب آن شخص سخن می‌گویند .

امام علیه‌السلام می‌فرماید: این خود، بزرگترین عیب است که تو، عیبی را در مردم بینی و آن را زشت و ناپسند بشماری و زبان به انتقادش بگشایی، در حالیکه خودت نیز، شبیه همان عیب را داشته باشی، ولی به آن توجه نکنی .

البته، منظور امام این نیست که وقتی در دیگران عیبی را دیدی که خودت نیز شبیه آن عیب را داری، همین کافی است که عیب دیگران را به زبان نیاوری، و در عوض، عیب خودت نیز، سر جایش باقی بماند. بلکه، منظور این است که وقتی، عیب دیگران، باعث ناراحتی ما شد، هوشیار باشیم و فوراً به خود آئیم و ببینیم که آیا خود ما نیز، آن عیب را داریم یا نه؟ و اگر دیدیم که خودمان نیز، دارای همان عیب هستیم، در صدد بر طرف کردن آن برآئیم، زیرا آن عیب، همانطور که در وجود دیگران، ما را ناراحت کرده است، در وجود ما نیز باعث ناراحتی دیگران خواهد شد .

### ۴- همت عالی و شکم پروری

«لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ» حکمت ۲۴۱

ترجمه: همت عالی، با سورچرانی و شکم‌پروری، سازگار نیست .

شرح: کسی که صاحب همت عالی است به شکم‌پروری و سورچرانی، توجه و اعتناء نمی‌کند و کسی که در پی سورچرانی و شکم‌پروری برود، نمی‌تواند همت عالی داشته باشد. و به عبارت دیگر، ممکن نیست که همت عالی، و شکم پروری، در وجود انسان، یکجا جمع شده باشد . زیرا شخص سورچران، بیش از هر چیز، در بند شکم خویش است، و تمام فکر و کوشش او صرف

آن می‌شود که چطور و از چه راهی، خود را به سفره‌یی رنگین برساند و شکمش را از خوراکیهای لذیذ انباشته کند. اما کسی که همت عالی دارد، فکر و ذهنش، آنقدر مشغول مسائل مهم و کارهای عالی و انسانی است، که اصولاً فرصتی برای فکر کردن به شکم پیدا نمی‌کند. و تازه وقتی هم سر سفره بنشیند، غذایی، ساده‌ترین غذاها خواهد بود. نمونه درخشان این افراد، خود حضرت علی علیه‌السلام است که غذایی، بیشتر اوقات، چیزی جز نان خالی، یا نانی همراه با کمی خرما، یا کمی پیاز، یا کمی نمک نبوده است. تا جایی که اگر اندکی بیش از این برایش غذا می‌آوردند، به شدت اعتراض می‌کرد .

### ۵- ایمان و راستگویی

«عَلَمَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدُقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ» حکمت ۴۵۸  
ترجمه: نشانه‌ی ایمان، آن است که: راستگویی را، اگر چه به تو زیان برساند، بر دروغگویی، اگر چه به تو سود برساند، مقدم بداری .

شرح: مسلمان مومن واقعی، یعنی کسی که دارای ایمان محکم و راستین است، نشانه‌هایی دارد، که بوسیله‌ی آنها، می‌توان او را، از افراد بی‌ایمان یا سست ایمان، بازشناسی کرد .  
یکی از این نشانه‌ها، آن است که: شخص مومن، سود واقعی را در اطاعت از دستورات خدا، زیان واقعی را، در اطاعت نکردن از دستورات خدا می‌داند. از آنجا که خداوند به ما دستور داده است که همیشه راست بگوئیم و از دروغگویی پرهیز کنیم، مسلمان با ایمان نیز، هرگز حاضر نمی‌شود بر خلاف این دستور رفتار کند. تا جایی که حتی اگر زمانی، راست گفتن به زیانش باشد و دروغ گفتن به او سود برساند، از سود دروغ گفتن چشم می‌پوشد، و زیان راست گفتن را به جان می‌پذیرد، و لب به دروغگویی باز نمی‌کند. زیرا مومن، سود و زیان واقعی را نزد خدا می‌داند و بس .

### ۶- ایمان

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ - وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ - وَ الزَّكَاةَ تَسْبِيهاً لِلرِّزْقِ - وَ الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ - وَ الْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ - وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ - وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ - وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ» حکمت ۲۵۲

ترجمه: خداوند، ایمان را برای پاک شدن دلها از آلودگی کفر و شرک، و نماز را برای پاک بودن از سرکشی و نافرمانی واجب کرد، زکوه را وسیله‌ی برای روزی مستمندان، و روزه را وسیله‌ی برای آزمایش اخلاص بندگان قرار داد، حج را برای نیرومند شدن دین، و جهاد را برای شکوه و سربلندی اسلام واجب ساخت، امر به معروف را به خاطر اصلاح توده ناآگاه مردم، و نهی از منکر را برای بازداشتن افراد بی‌خرد، از کارهای زشت و گناه آلود مقرر کرد .

شرح: احکام دین اسلام، با تمام جزئیات خود، دستورهائی هستند که خداوند برای بندگان مومن خود مقرر کرده است. از اینرو، انجام دادن این احکام، وظیفه حتمی و قطعی مسلمانان است، و یک مسلمان مومن کسی است که دستورهای واجب الاجرای خداوند را، بدون چون و چرا انجام دهد، و درباره آنها دچار هیچگونه شک و تردیدی نشود، هیچگونه سؤال و جوابی نکند، و هیچگونه دلیل و برهانی نخواهد .

با این حال، گاهی پیشوایان معصوم و امامان بزرگوار ما، علت منطقی و فلسفه فردی و اجتماعی این دستورها را تشریح کرده و درباره هر یک، توضیح کافی داده‌اند. تا هم غیر مسلمانان، به منطقی و مستدل بودن دستورهای اسلام پی ببرند و بتوانند با دستورهای ادیان دیگر مقایسه کنند، و هم مسلمانها، با فلسفه احکامی که انجام می‌دهند آشنا شوند و فواید سازنده، آنها را بهتر و بیشتر بشناسند .

امام علیه‌السلام نیز، در این جمله‌های کوتاه و پر معنی، فلسفه ایمان، نماز، زکوه، روزه، حج، جهاد، امر به معروف، و نهی از منکر را تشریح فرموده، و درباره واجب بودن هر یک، توضیحی دقیق و عمیق داده است .

### ۷- عمل و نسب

«مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ» حکمت ۲۳

ترجمه: کسی که به خاطر کردارش عقب مانده است، با اتکاء به اصل و نسب، نمی‌تواند پیش بیفتد .

شرح: انسان باید کردار نیکو داشته باشد، و تنها به اتکاء کردار خود، به سوی آسایش دنیا و سعادت آخرت پیش برود. زیرا در قانون الهی، کردار هیچکس را به حساب کس دیگر نمی‌نویسند و پاداش هیچکس را به بستگان و نزدیکان او نمی‌دهند. انسان، نمی‌تواند به پدر و مادر و اجداد شریف و بزرگوارش، که در تقوی یا علم یا هنر احترام و اعتبار داشته‌اند، متکی

باشد. و نمی‌تواند به اتکاء آنها، به کردار خود بی‌توجهی کند. یعنی عبادت و بندگی خداوند را بجای نیاورد، و برای پیشرفت زندگی رستگاری آخرت خود هیچ کاری انجام ندهد، ولی بخاطر اصل و نسب خود، منتظر باشد که در این دنیا به مقام و منزلت و احترام برسد، و در آن دنیا هم پاداش نیکو بگیرد .

### ۸ - تفاوت اعمال

«شَتَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ - عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبَقَى تَبِعَتُهُ - وَ عَمَلٍ تَذْهَبُ مَثْوَتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ»

حکمت ۱۲۱

ترجمه: چه تفاوت بسیاری، که بین دو گونه عمل و کردار انسانها وجود دارد: عملی که لذت و خوشی آن به سرعت می‌گذرد، ولی نتایج زیانبار و عواقب آن باقی می‌ماند، و عملی که رنج و زحمت آن، زود تمام می‌شود ولی پاداش آن بر جای می‌ماند .

شرح: خداوند، انسان را آزاد و مختار آفرید و به او عقل و شعور داد، تا آزادانه راه زندگی‌اش را انتخاب کند، و با اراده و اختیار خود، هر عملی را که دلش خواست، انجام دهد . اما در روز قیامت، کسی که عمل خوب انجام داده پاداش می‌گیرد و کسی که مرتکب اعمال بد شده، به کیفر و مجازات می‌رسد .

امام علیه‌السلام، به مسلمانان هشدار می‌دهد، تا بدانند که بین این دو گونه عمل، تفاوت بسیاری هست، و فریب ظاهر را نخورند. یعنی انسان باید بداند، که کار خوب و بد، هر دو، به زودی می‌گذرد و تمام می‌شود، در حالیکه نتایج و پی‌آمدهای آن، از بین نمی‌رود، و در کارنامه عمل انسان، باقی می‌ماند .

### ۹- مسئولیت وعده

«الْمَسْئُولُ خُرٌّ حَتَّى يَعِدَّ» حکمت ۳۳۶

ترجمه: کسی که از او درخواستی می‌شود، تا زمانی که وعده انجامش را نداده باشد، آزاد است . شرح: اسلام، درباره وفای به عهد سفارش بسیار کرده است. تا جایی که گفته می‌شود: یکی از تفاوت‌های مسلمان با دیگران، در این است که مسلمان، وقتی برای انجام کاری قول بدهد، دیگر به هیچ قیمتی نباید از انجام قول و وعده خود، شانه خالی کند . پس هرگاه، کسی از شما درخواستی کرد، نباید نسنجیده و بدون اندیشه و حساب، وعده انجام آن را بدهید.

امام علیه‌السلام، برای آن که ارزش و اهمیت خوش قولی، و زشتی بد قولی را نشان دهد، در این کلام، موضوع را به شکل تازه‌یی مطرح کرده است. حضرت می‌فرماید: وقتی از شما درخواستی می‌شود، تا زمانی که قول انجامش را نداده‌اید، آزاد هستید که انجام آن کار را قبول کنید یا قبول نکنید. اما همینکه وعده انجامش را دادید، دیگر آزاد نیستید، بلکه خود را به صورت بنده کسی در آورده‌اید، که باید برایش کاری انجام بدهید. یعنی انسان، در برابر قول و قراری که می‌گذارد، آنقدر مسئولیت پیدا می‌کند که گویی به صورت بنده‌ی قول و عهد خود درآمده است، و هیچ چاره‌یی، جز انجام آن ندارد.

### ۱۰- رفتار ما و گفتار دیگران

«مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ - قَالُوا فِيهِ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ» حکمت ۳۵

ترجمه: هر کس به سوی چیزی که مردم از آن بدشان می‌آید بشتابد، مردم نیز درباره او، آنچه را که نمی‌دانند، خواهند گفت.

شرح: کسی که با گفتار و کردار زنده خویش، مردم را برنجاند، مثل آن است که شتابان، به سوی چیزی رفته که مردم از آن بدشان می‌آید. یعنی، برای انجام کاری که باعث رنجش و آزرده‌گی دیگران می‌شود، شتاب کرده است. معنی شتاب کردن، در کاری که باعث رنجش می‌شود، آن است که ما، بدون فکر و اندیشه، و بدون سنجیدن و حساب کردن، سخنی بگوئیم یا کاری کنیم که دیگران را از ما متنفر و رنجیده سازد.

### اداره قرآن عترت و نماز

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان